

غزل شماره ۷۸

دیدم که یار، جز سَرِ جور و ستم نداشت
بشکست عهد، وز غم ما هیچ غم نداشت

یار بگمیش ار چه دلِ چون کبوترم
افکند و کشت و عزتِ صیدِ حرم نداشت

بر من بجاز بختِ من آمد و گرنه یار
حاشا که رسمِ لطف و طریقِ کرم نداشت

با این همه هر آن که نه خواری کشید از او
هر جا که رفت، هیچ کسش محترم نداشت

ساقی یار باده و با محتسب بگو
انگار ما گن که چنین جام، جم نداشت

هر راهرو که ره به حریم دش نبرد
مسکین بُرید وادی و ره در حرم نداشت

حافظ بر تو گوی فصاحت که مدعی
هچش، هنر نبود و خبر نیز هم نداشت

تفسیر فال

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟ این پرسش حکیمانه به ما یادآوری می‌کند که انسان باید با دقت و تفکر عمل کند، زیرا بسیاری از تصمیمات impulsive ممکن است به ندامت و پشیمانی منجر شوند. وقتی از کارهایی که انجام داده‌ای بسیار نادم و پشیمانی، به ویژه زمانی که در مسیر شکست قرار گرفته‌ای، احساس ناامیدی طبیعی است. این احساس می‌تواند گاهی اوقات چنان عمیق باشد که فکر کنی دیگر کسی تو را دوست ندارد یا اینکه مورد احترام نیستی. اما باید به یاد داشت که مرور زمان همواره فلسفه‌ای آموزنده دارد؛ زمان مانند یک درمانگر عمل می‌کند، زخم‌های روحی را التیام می‌بخشد و افکار منفی را کم رنگ‌تر می‌کند. مطمئن باش، این شکست نه تنها پایان نیست بلکه مقدمه‌ای برای پیروزی بزرگ خواهد بود انشاءالله. هر شکستی فرصتی است برای یادگیری و رشد، و تو باید از آن تجربه‌ها استفاده کنی تا قوی‌تر شوی و در آینده موفق‌تر عمل کنی. بنابراین با امیدواری به آینده بنگر و بدان که هر تاریکی یک روز به نور خواهد انجامید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)